

عنوان درس: امام شناسی

استاد: حجة الاسلام جعفر طبسی

جلسه سیزدهم: 13 / 10 / 93

بسم الله الرحمن الرحيم

در ادامه به آیه 81 سوره مبارکه اسراء می پردازیم. « وقل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا »

با کمال تأسف بعضی از مفسرین نسبت به آیه کم لطفی دارند، و هیچ اشاره ای به نقش امیرالمومنین نکرده اند. مانند طبرانی ، طبری ، فخر رازی.

نکته اول:

مراد از حق در این آیه اسلام و دین است ، مراد از باطل شرک است که اکثر مفسرین ذکر نموده اند.

چیزی که انسان ها را نجات داد اسلام بود ، وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) بود.

نکته دوم:

آیه هم مربوط است به جود مبارک رسول خدا (ص) و هم مربوط است به وجود امیرالمومنین. آیه مربوط است به فتح مکه که در ماه رمضان سال هشتم هجری رخ داد. رسول خدا وارد مکه می

شود، در حالیکه 360 بت داخل کعبه و اطراف کعبه وجود داشت.

تنها کسی که به نقش امیرالمومنین اشاره کرده است، حاکم حسکانی در شواهد التنزیل ج 1 ص 453 بود.

او روایتی از ابی هریره از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند: « دخلنا مع النبی مكة و فی البیت و حوله ثلاث مائة و ستعون صنما، بعید من دون الله، فأمر بها رسول الله فالقیة کلها لوجها،

طبق روایت حسکانی از زبان ابوهریره این است: تمام بت ها شکسته شد، جز بت هبل که سالم مانده بود.. وقتی نوبت به بت هبل رسید، رسول خدا(ص) به امیرالمومنین نگاه کرد و فرمود: یا علی ترکیب علیّ أو أركب علیک، تو سوار بردوش می شوی ، یا من سوار بر دوش تو شوم ، تا این بت را نابود کنیم؟ قلت یا رسول الله، شما سوار بر شانه من شوید:( نشانه ادب امیر المومنین را نشان می دهد) فلما جلس علی ظهري لم أستطیع حلمه لثقل الرسالة، رسول خدا ( ص) آمدند بر شانه من سوار شدند ، اما من به خاطر سنگینی رسالت نتوانستم پیامبر را حمل کنم. فقلت یا رسول الله أركبک ، من سوار بر دوش شما شوم تا بت را نابود کنم، رسول خدا خندیدند و از شانه من پایین آمدند. سپس رسول خدا خم شد، امیرالمومنین سوار بر دوش پیامبر شدند، امیرالمومنین می فرماید: هنگامی که سوار بر دوش پیامبر بودم، می خواستم، با دست آسمان را لمس کنم. فالقیة هبل عن ظهر کعبة، و بعد این آیه نازل شد، « و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا»

ان قلت : روایت فقط یک منبع دارد و آن شواهد التنزیل است ، دیگر منبع ندارد.

جواب: بلی منابعی دیگر هم دارد ، حاکم نیشابودی در مستدرک ج 3 ص 6 روایت نقل می کند و به آن تصریح می کند ، ذهبی نیز به این روایت تصریح می کند.

نکته مهم: هدف طرح این قضیه چیست؟

هدف این است که نقش امیرالمومنین (ع) در نابودی اصنام را ثابت کنیم.

نظراستاد: اگر امیرالمومنین، هیچ خدمتی در تمام عمر مبارک خودش انجام نمی داد ، همین جریان برای فضیلت و برتری ایشان کافی است. چرا که حضرت راه باز کرد ، تا مردم از عبادت اصنام به

عبادت خداوند رو بیاورند.

سوال

اصلا چرا به امیرالمومنین می گویند: لم یعبد صنما قط، چون او اصلا روبروی بت قرار نگرفته است. اما آن سه خلیفه به شهادت تاریخ معتبر اهل سنت آنها مقداری از عمر خودشان را به پرستش بت مشغول بودند.

آیه بعدی:

از ابتلی ابراهیم ربه بکلمات ...

در این می خواهیم قضیه بت پرستی سه خلیفه و جریان قل جاء الحق را به هم مربوط کنیم.

خداوند در این آیه می فرماید: امامت به انسانهای ظلم نمی رسد، خداوند امامت ظالم را فاسد دانسته ، کسی که بوسیله بت پرستی به خودش ظلم کرده، این شخص مستحق امامت نیست. اما امیرالمومنین یک لحظه به طرف بت سجده نکرده است.

شبهه:

بعضی از انسانهای معاصر که مریض هستند ، حدیث را تضعیف کرده اند و گفتند در سند روایت شخصی است بنام ابومریم اسدی ، ایشان نمی تواند از امیرالمومنین حدیث نقل کند ، لذا روایت حاکم مشکل سندی دارد.

جواب:

درست است، که در سند حاکم ابومریم است ، اما در بعضی نصوص مانند نص خوارزمی ، ابو مریم بطور مطلق آمده است و کلمه اسدی نیامده است. اگر ابو مریم مطلق آمد دو احتمال دارد:

1 - ابومریم ثقفی مدائنی که ایشان می تواند از امیرالمومنین حدیث نقل کند. پس اگر ابومریم ثقفی

باشد، حرف شما از درجه اعتبار ساقط است.

2 - مگر این حدیث فقط از طریق ابومریم اسدی آمده است؛ خیر؛ این جریان از سعید بن مصیب از ابی هریره نقل شده است .